

حضور معاون اول رئیس‌جمهور در اجلاس تاجیکستان، فرصتی که از دست رفت

دیپلماسی ناکارآمد «عارفانه»

کارشناسان می‌گویند ایران باید با پیشنهادهای مشخصی، به‌ویژه برای جلب کمک‌های بین‌المللی در حفاظت از یخچال‌های کشور، حاضر می‌شد

روزنامه

سایه‌ما

سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۱۴۰ | یکشنبه ۱۱ خردادماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان

www.payamemai.ir

دهیار گنارصندل انتخاب کرد

ورزشگاه روی تمدن ۴ هزارساله

بررسی جنجال‌های یک سریال و ابهام در نقش ممیزی و بازاریابی

سووشون توقیف یا تبلیغات؟

۸

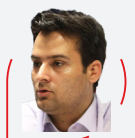
«تخریب» نمای بانک ملی لارنو به جای «مرمت»

اداره میراث‌فرهنگی لار: عین‌به‌عین بازسازی می‌کنیم

۱

یادداشت

برجام و دریاچه ارومیه



علی حاجی‌مرادی | کارشناس منابع آب

۱

گزارش اختصاصی «پیام ما» از وضعیت زندگی پنج خانواده شهدای زاگرس پس از گذشت پنج سال از آتش‌سوزی

سوختند تا زاگرس نسوزد

براساس آخرین بررسی‌ها، بیمه، حقوق و دیه شهدای زاگرس هنوز به خانواده‌هایشان پرداخت نشده است. یکی از اعضای خانواده شهید زارعی می‌گوید وقتی می‌بینم منابع طبیعی و محیط‌زیست در مقابل آتش‌سوزی آنقدر بی‌تفاوت‌اند، حیف می‌آید. کاش برای خاطر شهدا هم شده، قدر زاگرس را بدانند.

با یادداشت‌هایی از

امید سجادیان، کنشگر محیط‌زیست: جان داوطلبان را عزیز بشمارید
بهمن ایزدی، کنشگر محیط‌زیست: زاگرس بمیرد، ایران از دست می‌رود



۵،۴ و ۶

نقشه سبز زاگرس

۴

گزارش

عاقبت سفر از مرودشت برای زندگی بهتر

خرس یتیم در تهران گم شد



فروغ فکری | روزنامه‌نگار

برای رهاسازی آماده شوند؟ علاوه بر اینها، شنیده‌ها حاکی از آن بود که باغ‌وحش یزد خواستار این توله‌هاست و در کش‌وقوس این صحبت‌ها بود که خبر رسید یکی از آنها گم شده است!

سازمان حفاظت محیط‌زیست بعد از خبری‌شدن این ماجرا در بیانیه‌ای نوشت: «از نخستین ساعات روز پنجشنبه، هشتم خرداد، یکی از دو توله‌خرس قهوه‌ای پارک پردیسان ناپدید شده است. به‌محض اطلاع از این اتفاق که حدود ساعت ۲ بامداد پنجشنبه و با مشاهده توله‌خرس در حاشیه راه آسفالت قسمت شمالی پارک پردیسان صورت گرفت، عملیات جست‌وجو برای یافتن توله‌خرس قهوه‌ای در پارک ۲۲۵ هکتاری پردیسان آغاز می‌شود، اما به‌علت تاریکی شب، تلاش‌ها ناموفق بود و توله‌خرس مذکور همچنان مفقود است.»

در بخش دیگری از این مطلب آمده «یگان حفاظت محیط‌زیست نیز در حال بررسی دلایل خروج این توله‌خرس از قفس و بررسی احتمالات ممکن از جمله سهل‌انگاری، سرفت و مواردی از این قبیل است.»

آخرین پیگیری‌ها از سازمان حفاظت محیط‌زیست هم نشان از آن دارد که توله‌خرس از محدوده پارک خارج نشده است و آنها در تلاشند تا با تله‌های زنده‌گیری و پهباد او را پیدا کنند. «غلامرضا ابدالی»، مدیرکل دفتر مدیریت و حفاظت حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست اما در آخرین اظهارنظرش گفته: «خرس



یادداشت

برجام و دریاچه ارومیه



علی حاجی‌مرادی | کارشناس منابع آب

از سال ۱۳۴۹ تاکنون بنام دولت پزشک‌های زده شده است. اکنون از اردوگاه ستاد احیای دریاچه ارومیه دود کمرمقی با عنوان «به‌روزرسانی نقشه راه احیای دریاچه ارومیه» بیرون آمده است. جلسه‌ای در دبیرخانه کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه که بعد از تغییر و تحول ستاد احیای دریاچه ارومیه از ملی به استانی، همچنان در استانداری آذربایجان غربی مستقر است و با حضور استادی دانشگاه‌های ارومیه، تبریز، آزاد ملکان و کردستان. همان‌گونه که در سال‌های اخیر لسوزان امر از جمله مسعود پزشک‌های در کسوت نمایندگی مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی در آبان ۱۴۰۲ بر اشکالات تقلیل امری ملی و حتی بین‌المللی دریاچه ارومیه به یک موضوع حاشیه‌ای در استانداری آذربایجان غربی هشدار داده بودند، حتی در ترکیب اعضای مدعو این جلسه نیز این مسئله مشهود است. عدم دعوت از دانشگاه صنعتی امیرکبیر که لاقلاً هشت سال مسئولیت کارگروه منابع آب، دانشگاه علم‌و‌صنعت ایران در همکاری با کارگروه مصارف آب، دانشگاه شهیدبهشتی در مسئولیت مطالعات آبرو‌کاو‌لوزی، دانشگاه مراغه و دانشگاه تربیت‌مدرس در همکاری مطالعات طرح‌های انتقال آب جدید، دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان و دانشگاه یزد در همکاری مطالعات گردوغبار، دانشگاه شیراز در مطالعات بیولوژیک، پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه آب دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه واخنینگن و دانشگاه دلفت هلند، دانشگاه یوتا آمریکا، دانشگاه ملبورن استرالیا و البته مجموعه کامل دانشگاه صنعتی

دولت چهاردهم که در زمان انتخابات از سوی رقیب به‌عنوان دولت سوم برخی دولت‌های قبلی نام برده می‌شد، لاقلاً اکنون در موضوع احیای دریاچه ارومیه کمترین مشابهت را با دولت اول حسن روحانی دارد؛ چراکه با آنکه در سال ۱۳۹۲ کمتر کسی از حسن روحانی متولد سمنان توقع وعده صریح اقدام برای احیای دریاچه ارومیه را داشت، ولی او بود که برای اولین‌بار در بین کاندیداهای ریاست‌جمهوری ادوار ایران در کمپین انتخاباتی خود در شهر ارومیه قول احیای دریاچه ارومیه به هر طریق ممکن را داد. ۱۲ سال بعدازآن، شاید اطمینان‌خاطر مردم از قطعیت اقدام مسعود پزشک‌های برای دریاچه ارومیه، او را از هرگونه پیگیری برای دریافت یک شعار انتخاباتی از رئیس دولت چهاردهم برای احیای دریاچه ارومیه بی‌نیاز کرد. اکنون قریب یک‌سال از روی کار آمدن دولت چهاردهم گذشته است و به‌گزارش شرکت اَب‌منطقه‌ای آذربایجان غربی و گواه تصاویر ماهواره‌ای ثبت رکورد بدترین وضعیت اردیبهشت دریاچه ارومیه

گزارش

«تخریب» نمای بانک ملی لارنو به جای «مرمت»

اداره میراث‌فرهنگی: عین‌به‌عین بازسازی می‌کنیم



مهتاب جودکی | روزنامه‌نگار

ثبت شد و تخریب آن از صبح دیروز «به قصد بازسازی» و نه حتی «مرمت»، آغاز شد. ناظران می‌گویند از دو هفته پیش دور این بانک حصار کشیده‌اند و از صبح شنبه در حال تخریب نمای این بنای ۶۰ساله هستند و با انتشار تصاویر آخرین وضعیت این بنا، پیمانکاران، بر سرعت عملیات تخریب افزودند. چه بر سر بانک ملی لار می‌آید؟ «محمدابراهیم کیان»، رئیس اداره میراث‌فرهنگی لار به «پیام ما» چنین توضیحی می‌دهد: «این بنا زیر نظر اداره کل میراث‌فرهنگی استان فارس در حال مرمت است. درواقع، طرح مرمت آن از سوی استان تأیید شده و بنابراین، مثل قبل بازسازی می‌شود.»

اما قانون چه می‌شود؟ مگر می‌شود بنایی که ثبت ملی است، به‌عمد تخریب و دوباره «مثل قبل بازسازی شود»؟ کیان می‌گوید: «بازسازی نظر من نیست که بگوییم آنچه آنجا در حال انجام است، زیر نظر من اعمال می‌شود، بلکه کارشناسان فنی اداره‌کل میراث استان تأیید کرده‌اند. امروز صبح (شنبه) با میراث استان در تماس بودم و تصاویر را برایشان فرستادم. در جواب گفتند که بنا عین‌به‌عین بازسازی می‌شود. آنها علاوه‌براین

گفتند سنگ‌هایی که روی بدنه بانک موجود بوده، سنگ‌هایی است که الان در بازار موجود است. یعنی سنگ‌های آنچنان قدیمی‌ای نیست. بنابراین، آنهایی که خراب است را عوض می‌کنند و آنهایی که سالم است را دوباره روی دیوار نصب می‌کنند. به‌طور کلی، در نمای کلی بانک هیچ تغییری به‌وجود نمی‌آید.» اما بنظر می‌رسد آغاز این تخریب از نیم آذر ۱۴۰۳ شروع شده است؛ زمانی که این خبر به‌نقل از شهردار لار منتشر شد: «بنای قدیمی بانک ملی لار نو با رعایت اصول فنی و معماری ایرانی اسلامی بازسازی می‌شود.» در جست‌وجوها به یک آگهی مناقصه عمومی برمی‌خوریم، با این شرح: «بانک ملی اداره امور شعب استان فارس در نظر دارد نسبت به انجام تعمیرات ساختمان شعبه لار نو از طریق اقدام مناقصه و شکرتهای واجد شرایط به شرح ذیل اقدام نماید: ۱- دارا بودن گواهی صلاحیت دارای اعتبار از مراجع ذی‌صلاح (حداقل رتبه ۵ اینیه و گواهی صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی) ۲- به‌دلیل وضعیت خاص پروژه (ساختمان آثار ملی) دارا بودن سوابق کاری و فعالیت شرکت در پروژه‌های بانک ملی الزامی است.» درواقع، موضوع مرمت ساختمانی که جزو میراث ملی است، تحت عنوان «تعمیرات ساختمان» پیگیری شده است. رئیس اداره میراث‌فرهنگی لار هم می‌گوید: «هزینه بازسازی را خود بانک ملی می‌پردازد که پیمانکار بازسازی است.»

عاقبت سفر از مرودشت برای زندگی بهتر

خرس یتیم در تهران گم شد

۱

۴

نقشه سبز زاگرس

۴

دهیار کنارصندل انتخاب کرد

ورزشگاه روی تمدن ۴ هزارساله



فرزانه قبادی

دو دهه پیش، وقتی خواب کنارصندل آشفته شد و بخشی از حافظه تاریخی‌اش به یغما رفت، بودند کسانی که به دادش برسند و صدایش را به گوش دنیا برسانند. «حمیده چوپک» و «یوسف مجیدزاده» و بسیاری از کسانی که ایران و تمدن کهن آن برایشان ارزشمند بود، تمام تلاششان را برای شناسایی این محوطه باستانی به‌کار گرفتند. جیرفت و کنارصندل شهرت جهانی پیدا کرد. آنها نمی‌دانستند کنارصندل قرار است دو دهه به حال خود رها شود و بعد هم دهیار روستا لودرها را راهی تپه باستانی کند. او با صراحت تمام می‌گوید: «برای من مردم مهم هستند، نه ثبت جهانی و محوطه باستانی.» او درباره کدام مردم حرف می‌زند؟ لودرها کارشان را شبانه پیش برداند، یک‌هفته‌ای می‌شود که مشغول کارند و مخالفت‌های پایگاه میراث ملی جیرفت راه به جایی نبرده و مثل همیشه از مسئولان بالادستی وزارتخانه هم خبری نیست. حالا تپه کنارصندل پر از تکه‌های سفال شده و تخریبی سازمان‌یافته در قلب نشانه‌های تمدن «ارته» رخ داده است؛ بدون اینکه کسی کاری کند. جیرفت قرار بود جهانی شود، قرار بود تاریخ بین‌النهرین را تغییر دهد، قرار بود از تمدنی ارزشمند بگوید؛ حالا اما لودرها کنارصندل را شخم زده‌اند، همان‌طور که دو دهه پیش حفاران غیرمجاز سوراخ‌سوراخش کردند و همان‌طور که ۲۰ سال به حال خود رها شد و همان‌طور که امروز کسی دم نمی‌زند و به تخریب نشانه‌های یک تمدن بزرگ واکنشی نشان نمی‌دهد.



فرزانه قبادی | روزنامه‌نگار

همان روز که «قادر شیروانی» در «شب جیرفت» از «علی دهباشی» چند دقیقه‌ای وقت گرفت تا خارج از برنامه نشست سخنانی را مطرح کند، همه حاضران دانستند که وضعیت جیرفت خوب نیست. درست‌ترش این است که بگوییم وضعیت جیرفت به‌عنوان یک محوطه باستانی بسیار مهم، نگران‌کننده است. او از بی‌مهری‌ها گفت و اینکه کنارصندل هنوز عرصه و حریم مصوب ندارد. او از مشکلات حقوقی کنارصندل و دقایق‌نوس گفت. از بی‌توجهی به حفاظت این محوطه گفت. همه شنیدند و گذشت. یک هفته است که در کنارصندل دهیار با استناد به

طرح هادی روستا پروژه ساخت یک مجتمع ورزشی را درست در محوطه‌ای که «ضمیر اسکندری»، استاد دانشگاه تهران، در گمانه‌زنی‌هایش در آن به لایه‌های باستانی رسید، آغاز کرده است. اما این طرح هادی که دهیار به اجرای آن تأکید دارد، اضافی میراث‌فرهنگی را ندارد. قادر شیروانی، مدیر پایگاه میراث ملی جیرفت، به «پیام ما» می‌گوید: «دهیار کار غیرقانونی کرده است. میراث‌فرهنگی قانون دارد؛ حتی اگر محوطه باستانی عرصه و حریم مصوب نداشته باشد، ایشان حق تخریب ندارد. این تخریب کاملاً آگاهانه انجام می‌شود، ما چند بار به او تذکر

است و منجر به تخریب یک محوطه باستانی می‌شود، دهیار باید پروژه را متوقف کند، اما هیچ توجهی نمی‌کند.» به‌گفته شیروانی: «بار اول نیست که به دهیار کنارصندل تذکر می‌دهیم؛ قبلاً هم برای تخلفاتش حکم قضائی گرفتیم، اما فرماندار پیشین از او حمایت و پادرمیانی کرد و قضیه فیصله یافت. از همانجا کلید تخریب این محوطه خورد.» دهیار روستای کنارصندل با پافشاری بر انجام یک عمل غیرقانونی برای همیشه شانس ثبت جهانی شدن کنارصندل را با تمام ارزش‌ها و اهمیتش از بین می‌برد. «نادر علی‌دادی سلیمانی» باستان‌شناس، درباره تخلف دهیاری کنارصندل می‌گوید: «برای انجام هر عملیات عمرانی باید مجوز دستگاه‌های مختلف گرفته شود، یکی از این دستگاه‌ها میراث‌فرهنگی است. طبق قانون محل اجرای پروژه عمرانی نباید بنای تاریخی، محوطه تاریخی، تپه یا محوطه باستانی باشد. دهیاری‌ها این مسئله را خوب می‌دانند که طرح توسعه و طرح هادی نیاز به مجوز میراث‌فرهنگی دارد. اما کاری که در کنارصندل در حال انجام است، بدون مجوز است و باعث ازبین‌رفتن غیرقابل‌جبران یک محوطه باستانی شده است. تا چندی پیش صحبت از ثبت جهانی کنارصندل بود؛ اما با این اتفاقات کنارصندل به ثبت جهانی نخواهد رسید.»

هرچند دهیار روستا تخلفی آشکار انجام داده که مستلزم برخورد قانونی است و لازم است وزارت میراث‌فرهنگی در سطوح بالای مدیریتی به موضوع تخریب تپه باستانی کنارصندل ورود کند، اما شیروانی به نکته قابل‌تأملی اشاره می‌کند: «ظاهرأ برای هیچ‌کس حفاظت از آثار جیرفت دغدغه نیست؛ نه مسئولان محلی و نه مدیران بالادستی. طی دو-سه سال گذشته پایگاه میراث جیرفت هیچ بودجه‌ای دریافت نکرده و تنها بودجه موجود صرف کاوش‌های اخیر شده است. درحالی‌که اولویت در کنارصندل موضوع حفاظت است، نه کاوش؛ زیرا وقتی مردم ببینند ما تلاش می‌کنیم برای حفاظت و مرمت، کنار ما خواهند ماند، اما وقتی می‌بینند چند سال است محوطه کاملاً رها شده، هیچ کار مرمتی و حفاظتی در آن صورت نمی‌گیرد و تنها تأکید بر کاوش است، برداشتشان این است که دولتی‌ها فقط می‌خواهند آثار این محوطه را ببرند.» او در تشریح وضعیت محوطه کنارصندل که حدود دو دهه پیش کاوش شده، می‌گوید: «دیوارهای بناهای کاوش‌شده همه تخریب شده، پیکره گلی تخریب شده و محوطه وضعیت مناسبی ندارد، اما گویا برای مدیران بالادستی هیچ‌کدام مهم نیست. بخشی از این تخریب‌ها و حفاری‌های غیرمجاز که ما هر شب درگیر آن هستیم، نشان می‌دهد برنامه‌های بالادستی در محوطه کنارصندل و جیرفت درست اجرا نشده و حفاظت اولویتی نداشته است.» روزهایی که نشانه‌های تمدن ارته در جیرفت سر از خاک بیرون آورد، پژوهشگران جهان و تمام کسانی که با تاریخ بین‌النهرین و نقاط مجهولش آشنا بودند، از کشف این نشانه‌ها که قرار بود پاسخ بسیاری از سؤالات تاریخی در مورد تمدن‌های تلاششان را برای حفظ و معرفی آن در سطح جهان به‌کار گرفتند. جیرفت اما همواره اسیر بی‌مهری‌ها بود و قربانی بی‌توجهی‌های ساختاریافته که گویی چشم بر تمدنی عظیم بسته و در مواجهه با این عناصر تمدنی بی‌نظیر رفتاری غیرمتمدانه پیش گرفته بودند. هنوز هم این رفتارها و چشم‌پوشی‌ها در مقابل جیرفت تداوم دارد. اما تمدن ارته شاید با اینهمه بی‌مهری و تخریب، بالاخره روزگار دیگری را برای روایت تاریخ انتخاب کند و از امروز ما که این‌چنین خصمانه نشانه‌هایش را تخریب کردیم، رخ بپوشد.

«تخریب» نمای بانک ملی لار نو به جای «مرمت»

او ادامه می‌دهد: «داخل بنا هم پارتنیشن‌بندی می‌شود و اتفاق خاصی نمی‌افتد. این بنا در واقع سوله‌ای است که ۶۰ سال پیش ساخته شده. بعد از زلزله لار مجبور شدند شهر جدید را بسازند و در نقاطی از سوله استفاده کردند. بانک ملی هم یکی از همان‌هاست. نمای این بانک برای ما هم خاطره‌انگیز است و از آنجا که لاری‌ها از آن خاطره جمعی دارند، نمی‌خواهیم تغییر کند و تخریب شود.»

معاون میراث‌فرهنگی استان فارس هم می‌گوید درحال‌حاضر از ماجرا بی‌اطلاع است و توضیح را به وقتی دیگر موکول می‌کند. «حبیب طالبی»، معمار و پژوهشگر اهل لار، به «پیام ما» می‌گوید: «از دو هفته پیش که تخرکتی در اطراف بانک آغاز شد، موضوع را به رئیس بانک اطلاع دادم و ارزش معماری و طراحی این بناگفتم. رئیس اداره میراث‌فرهنگی را هم در جریان گذاشتم و در جواب گفتند بانک ملی طرح مرمت دارد و از شیراز آمده‌اند. اما امروز دیدم که تمام سنگ‌های نما را ریخته‌اند پایین. شوکه شدم، معلوم نیست منطق این حرف که «مثل روز اول بازسازی می‌کنیم» از کجا می‌آید. عین‌به‌عین ساختن بنایی که سرپا بوده، معنایی ندارد.»

او از ارزش‌های سازهای بنای بانک ملی لار این‌طور می‌گوید: «بعد از زلزله بزرگ سال ۳۹ شهر ویران و در شهر جدیدی که ساخته شد، بنای بانک ملی را جوری ساختند که در زلزله دوام بیاورد. این بنا نوآورانه است و از لحاظ عمرانی کار شاخصی شناخته می‌شود.»

طالبی با اشاره به رشد معماری در دهه ۴۰ می‌گوید: «بناهای شاخصی در آن دهه ساخته می‌شود و آرزوی بزرگ معماران آن دهه، ترکیب فرهنگ ایرانی و مدنی‌سایون غربی است. یکی از بناهای شاخص همین دوره بیمارستان گوروش در لار است که جزو ۱۰ بنای برتر ایران در دهه ۴۰ شناخته می‌شود. زلزله لار زمینه ساخت‌وسازهای تازه را ایجاد کرد، حتی معماران تجربیات بدیع معماری در اروپا را به لار آوردند؛ معمارانی چون وارثان هاواسیان، محسن فروغی، ظفر بختیار و دوبرول فرانسوی در ایران بانک‌سازی می‌کردند. وقتی قرار شد در لار بانک بسازند هم از روش‌شناسی، استاتیک و زیبایی‌شناسی همین استادان معماری پیروی شد. مخصوصاً کارهای فروغی، وارثان و هوشنگ سیحون. اما اکنون با ادامه این روند، الگوهای اصیل از دست می‌روند و دیگر چیزی باقی نمی‌ماند که برای فرار از بحران بی‌هویتی به آن چنگ ببنداریم.»

او در مطلبی با تیتر «گذشته نزدیک: معماری مدرنیستی لار» در وب‌سایت «جامعه منتقدین و نویسندگان معماری» به «تزیینات اسلیمی در بانک ملی لار به‌شکل قاب کتیبه‌های کاوش‌کاری‌شده در جدارهای نمای اصلی» اشاره کرده و نوشته است: «در بیرون‌زدگی ورودی شاهد صفحه‌های عمودی کشیدشده همسو با ارتفاع ساختمان هستیم و دارای عملکردی شبیه رواق. در تراز پایین‌تر ستونری و سرسرای ورودی مزین به گرانیت سبز قابل‌مشاهده است. با این توصیفات، تزیینات ساده و سراسرت در چپه ورودی به‌شکل غیرقابل‌اتکاری از سبک آرت‌دکو پیروی می‌کنند. همان‌طور که در طراحی بانک‌ها از ۱۳۰۰ به‌بعد شاهد آن هستیم.»



این بار اول نیست که به دهیار کنارصندل تذکر می‌دهیم قبلاً هم برای تخلفاتش حکم قضائی گرفتیم، اما فرماندار پیشین از او حمایت و پادرمیانی کرد و قضیه فیصله یافت. از همانجا کلید تخریب این محوطه خورد



دیوارهای بناهای کاوش‌شده همه تخریب شده، پیکره گلی و محوطه وضعیت مناسبی ندارند، اما گویا برای مدیران بالادستی هیچ‌کدام مهم نیست

یخچال تاریخی ۲۵۰ ساله تبریز فروریخت



یخچال تاریخی «میرزمهدی» در تبریز، بنایی ۲۵۰ساله و از نمونه‌های نادر معماری سنتی ایران، در سایه بی‌توجهی مسئولان و رهاشدگی کامل، فرو ریخت. این بنا که زمانی به‌عنوان مخزن یخ و پناهگاه مشروطه‌خواهان شناخته می‌شد، امروز تنها تلی از خاک و سنگ است؛ نمادی از میراثی که بی‌صدا و خاموش از خاطره جمعی شهر حذف می‌شود.

یخچال میرزمهدی در خیابان فلسطین تبریز، نه‌تنها محلی برای نگهداری یخ بلکه بخشی از تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه دوران مشروطه بود. گفته می‌شود ستارخان و همراهانش در روزهای حقیقان، از این مکان به‌عنوان مخفیگاه استفاده می‌کردند. در کنار نقش تاریخی، این یخچال نمونه‌ای ارزشمند از مهندسی اقلیمی مردمان آن دوره نیز محسوب می‌شود که با حداقل امکانات، معماری هوشمندانه‌ای برای مقابله با گرمای تابستان طراحی کرده بودند.

بااین‌حال، بی‌توجهی به این اثر تاریخی، که هنوز حتی در فهرست آثار ملی ثبت نشده، سرانجام کار خود را کرد؛ سقف گنبدی آن فرو ریخته است و دیوارهایش آسیب جدی دیده‌اند. در سال‌های گذشته، این بنا که مالکیت آن در اختیار خاندان طباطبایی بوده، بدون مرمت یا رسیدگی، به حال خود رها شد

و در نهایت بخشی از حافظه تاریخی شهر را با خود به زیر آوار کشاند. «کریم میمنت‌زاد»، تاریخ‌پژوه تبریزی، می‌گوید این بنا از نظر معماری و تاریخی، یکی از مهمترین یخچال‌های سنتی تبریز محسوب می‌شد و حتی بخش‌هایی از سنگ‌چینی آن به دوره ایلخانی بازمی‌گشت. او تأکید دارد که میراث‌فرهنگی استان می‌توانست با ورود به‌موقع، از این تخریب جلوگیری کند، اما با وجود اطلاع از وضعیت وخیم بنا، هیچ اقدامی عملی برای حفاظت از آن صورت نگرفت. «وحید نواد» معاون میراث‌فرهنگی آذربایجان‌شرقی نیز در این‌باره گفته است این بنا در فهرست آثار در حال بررسی برای ثبت

آگهی مناقصه عمومی



شهرداری منطقه ۹ تبریز

شهرداری منطقه ۹ تبریز در نظر دارد پروژه با مشخصات زیر را از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) واگذار نماید؛ لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط و صلاحیت‌دار و دارای رتبه و پایه لازم دعوت به عمل می‌آید در مناقصه ذیل شرکت نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد. ضمناً مناقصه گرانی که عضو سامانه نمی‌باشند جهت شرکت در مناقصه باید نسبت به انجام مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند .

- پروژه** " تکمیل احداث پارک کودک " با برآورد اولیه ۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال و مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۵/۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال حداقل پایه ۵ در رشته انبیه و ساختمان و یا راه‌ترباری.
- ۱- مبلغ سپرده شرکت در مناقصه** که به‌صورت فیش بانکی یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی به‌حساب شماره ۱۰۰۶۷۸۵۱۳۲ نزد بانک شهر شعبه دروازه تهران به نام شهرداری منطقه ۹ تبریز واریز گردد
- ۲- مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ در بستر سامانه ستاد آزادی - مابین ابوریحان و حکیم نظامی، نبش لاله‌زار جنوبی (واقع در اتاق جلسه شماره چهار ساختمان
- سامانه ستاد تا ساعت ۱۴:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ و سپرده شرکت در مناقصه به‌صورت فیزیکی فقط در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ تا ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به دبیرخانه شهرداری منطقه ۹ تبریز واقع در تبریز - بلوار شهدای غواص-تقاطع جاده باسمنج با بلوار مردانی آذر (اول جاده زرزق) تحویل نمایند .
- ۴ - تاریخ بازگشایی پیشنهادات:** ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ روز چهارشنبه در بستر سامانه ستاد در محل اتاق جلسه شهرداری تبریز واقع در خیابان آزادی - مابین ابوریحان و حکیم نظامی، نبش لاله‌زار جنوبی (واقع در اتاق جلسه شماره چهار ساختمان

اکبر دنیادوست شهردار منطقه ۹ تبریز

جان داوطلبان را عزیز بشمارید

امید سجادیان

فعال محیط‌زیست |

آتش‌سوزی جزئی جدایی‌ناپذیر از اکوسیستم است. تا زمانی که سکونتگاه‌های انسانی و هم‌پدرداری‌های انسان وجود دارد، آتش‌سوزی را هم خواهیم داشت. همین موضوع سبب شده است تا ۹۵ درصد از آتش‌سوزی‌های جنگل عامل انسانی داشته باشد. اطفای حریق در همه‌جای دنیا عملیاتی خطرناک با درجه سختی بالا است که نیاز به برنامه، زیرساخت، نیروی باتجربه، تجهیزات کافی و حقوق مناسب دارد. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و همسایه، در یک برنامه‌ریزی مناسب و مشارکتی، نقش مردم را پررنگ می‌کنند. در ایران هم سال‌هاست نیروهای مردمی در کنار نیروهای دولتی و امدادی در خط مقدم آتش حضور دارند، ولی به‌خلاف سایر کشورها نه سیستم مشخص دارند و نه برنامه‌ای برای آن چیده شده است. درمقابل همه‌چیز اضطراری و فصلی اتفاق می‌افتد و از برنامه‌های اجرایی موفق هم حمایت نمی‌شود. در این شرایط اگر انتقادی هم از سوی فعالان محیط‌زیست شود، مسئولان گارد می‌گیرند؛ انگار فراموش‌شان شده که مدیریت اتفال به سازمان‌ها حق مالکیت نمی‌دهد بلکه باید در قبال آنها پاسخگو باشند. همین حالا اگر مردم نباشند، نوار، اعتبار را زیرساخت‌های سازمان‌ها به‌مهارحریق نمی‌رسد. ولی نمی‌شود بی‌برنامگی را بپناه کرد و نیروهای دولتی و مردمی را قربانی بی‌برنامگی سازمان‌های دولتی و رفتار احساسی برخی گروه‌های مردمی کرد. در این سال‌ها بارها مردم و داوطلبین قربانی بی‌برنامگی و قوانین دست‌وپاگیر شده‌اند. داوطلبین جانشان را می‌گذارند، دولتی‌ها یادشان می‌رود. درگیر بروکراسی اداری می‌شوند که خودشان ایجاد کرده‌اند. فراموش می‌کنند آنچه در مودش با بی‌تفاوتی حرف می‌زنند، جان انسان است؛ ارزشمندترین چیزی که هر نفر دارد. کالای ارزشمندی که پای درختانی فدا می‌شود که در آمارها عدد هستند، ولی برای مردم زاگرس‌نشین آمان نیستند، جان‌اند؛ جانی که حاضرند فدا کنند تا زنده بماند. متأسفانه سادترین حقوق‌ها هم برای این داوطلبین نادیده گرفته می‌شود. ۶۱ نفر در آتش‌سوزی‌های زاگرس فقط طی سال‌های اخیر جان باختند. البته آمارها در تعداد کمی متغیر هستند. اینکه آقایان چه کسی را داوطلب تشخیص دهند و چه کسی را نه، خودش اول ماجرا است؛ آن‌هم برای کسانی که جان خود را فدای جنگل‌ها کردند. جای خالی آنها هیچ‌وقت پر نمی‌شود؛ با هیچ‌چیز و هیچ‌کس…

متأسفانه تمام داوطلبانی که جانشان را در راه حفاظت از زاگرس از دست دادند، نای‌آور و امید خانوادگی بودند. ولی پشتیبانی از خانواده‌ها صورت نگرفت است و کل کار مسئولان فقط در پیام‌های تسلیت و همدردی خلاصه می‌شود؛ بدون اینکه به آینده و چالش‌های خانواده فکری شود. دیه خانوادها همچنان در بروکراسی اداری مانده است. مستمری در نظر گرفته نمی‌شود. عملاً خانواده‌ها رها شده‌اند؛ بدون اینکه حمایتی از آنها صورت گیرد. چرا باید برخی از خانواده‌های داوطلبین به‌دنبال پرونده‌های عزیزانشان در راهروهای ادارات باشند؟ چرا بعد از پنج سال پرونده البرز زارعی در بروکراسی ادارات مانده است؟ چرا همچنان داوطلبان بدون حمایت مشخص، بدون تجهیزات و بدون برنامه‌ریزی برای آتش‌سوزی‌ها اعزام می‌شوند و آسیب می‌بینند؟ چرا فکر اساسی نمی‌شود؟ نباید با فراخوان‌های عمومی و بی‌برنامگی، مردم را قربانی کرد. مردم برای خاطر وطنشان و بدون توجه به تمام مشکلات به دل آتش می‌زنند. چرا مسئولان فکری برای آنها نمی‌کنند؟ چرا نیروهای متخصص آموزش داده نمی‌شوند؟ چرا زیرساخت‌ها تقویت نمی‌شود؟ چرا از فناوری‌های نوین استفاده نمی‌شود؟ چرا برخورد قانونی در کنار اقدامات مشارکتی برای عوامل آتش‌سوزی صورت نمی‌گیرد؟ چرا برنامه‌های پیشگیری جدی گرفته نمی‌شود؟ چرا مردم در برنامه‌ریزی‌ها دخیل نیستند؟

گزارش اختصاصی «پیام ما» از وضعیت زندگی پنج خانواده شهدای زاگرس پس از گذشت پنج سال از آتش‌سوزی

سوختند تا زاگرس نسوزد

براساس آخرین بررسی‌ها، بیمه، حقوق و دیه شهدای زاگرس هنوز به خانواده‌هایشان پرداخت نشده است. یکی از اعضای خانواده شهید زارعی می‌گوید وقتی می‌بینم منابع طبیعی و محیط‌زیست در مقابل آتش‌سوزی آنقدر بی‌تفاوت‌اند، حیفم می‌آید. کاش برای خاطر شهدا هم شده، قدر زاگرس را بدانند

امید سجادیان

فعال محیط‌زیست |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

فاطمه پایخانی |

روزنامه‌نگار |

شاهدش هستند، بی‌مهری مسئولان است.»
براساس آیین‌نامه ماده ۲۰ قانون مدیریت بحران تمام خانواده‌های فداکاران خدمت باید، همچون خانواده شهدا، حق و حقوق قانونی داشته باشند، اما تاکنون خانواده‌ها با وجود اینکه تمام مسیرها را از پیچ‌وخم قانون گذرانده‌اند تا به این حقوق برسند، موفق نشده‌اند. «قانون ماده ۲۰ مدیریت بحران نصفه‌نیمه رها شده است. به‌نظر می‌رسد نه این قانون در اولویت است و نه شخصی پیگیر تا به مسیر پایانی خود برسد. ما نمی‌دانیم بعد از تصویب در کارگروه ملی چه اقداماتی انجام گرفته؟»

پنج سال از آن آتش‌سوزی می‌گذرد، اما چه گذشتنی! «آیا خبری از وضعیت خانواده‌ها دارند؟ خانواده‌ها خودشان برای پیگیری حقوق شهدا مراجعه نکنند، مسئولان کاری انجام می‌دهند؟ یکی دو سال اول مسئولان آمدند و احوالی پرسیدند و رفتند. بعد هم یادشان رفت که شهیدی بوده. در زمان فراوانی آتش‌سوزی‌های عمدی لاقال برنی از عکس این عزیزان در سطح شهر باشد، شاید وجدانی درد گرفت و زمان روشن کردن آتش دلی لرزید از نتیجه کارش.»

سهانه دو برادر دیگر هم داشت که هر دو را در سانحه تصادف از دست داده بود. از آن زمان محموداد تنها پسر خانواده و چشم امید پدر و مادرش شد. او اولین بار

سال ۱۳۹۳ با دوستانش برای اطفای حریق رفت. با صورتی برافروخته و قرمز و حال خراب برگشت. گفت که کنار آتش صدای تاله زن و بچه به گوشم می‌رسید، در حالی که آتش می‌دویدم و داد می‌زدم کجایید؟ شما را نمی‌بینم که نجاتتان دهم. یکی از بچه‌های انجمن به محمودجواد گفت اینجا صدای ناله‌ها و ضجه‌های درختان در حال سوختن است. «محمودجواد تعجب می‌کرد که انگار خدا قدرت چند انسان دیگر را به او داد و شروع به خاموش کردن آتش با دوستانش کرد. از آن روز هر جا می‌روم آتشی می‌دیدم، سریع برای اطفای حریق می‌رفت. آن روز هم که آخرین بظری آب را از دست مادرش گرفت، یک لحظه دست‌ودلش نلرزید که به‌خاطر پدر و مادر در خانه بماند.»

زندگی خانواده مختاری را رفتن محمودجواد بهمم ریخت. «حال مادرم خوب نیست. ۲۰ روز به ۲۰ روز باید در بیمارستان بستری شود. پمپاژ قلبیش زیر ۱۰ درصد است. تا الان دو بار برایش باتری گذاشتم، اما جواب نمی‌دهد. پدرم مدام می‌گوید دنیا جلوی چشم‌مان سیاه است و به همه‌چیز خیلی بی‌تفاوت شده.»

<div><div>🏛️</div><div><div>🏛️</div></div></div>	<div>سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور</div> <div>اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان قزوین</div> <div>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۵۶-۱۴۰۴/۱۱/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر تبریز</div> <div>بلاعارض متقاضی آقای حسین سالاری فرزند اگریه شماره شناسنامه ۸۴ صادره از درشدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۶۵۱ متر مربع پلاک - فرعی از ۵۲ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک - فرعی از پلاک ۵۲ اصلی قطعه - واقع در شهرستان عنبرآباد -حسین آباد بخش ۴۵ کرمان خیرداری - ملک رسمی آقای موسی ابراهیمی مخزر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدینوسیله در صورت انتقاضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</div> <div>شعبان عسگری - رئیس ثبت‌استاد و املاک</div> <div>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷</div> <div>شناسه آگهی: ۱۹۳۸۷۲۸</div>
--	--

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول

نوبت اول



یک نفر از اعضای تیم اطفای حریق در حین عملیات اطفای حریق در یک حریق در یک جنگل در استان فارس

به خانواده مختاری به‌شکل لفظی اعلام شد که در کارگروه ملی، محمدجواد به‌عنوان فداکار خدمت تأیید شده است. «این اعلام حاصل تلاش خانواده‌ها و نیروهای منابع طبیعی شهرستان نورآباد ممسنی و استان فارس بود. از همکاری آنها در دو سال و نیم اول تشکر می‌کنم، اما یک گلایه هم دارم. تا جایی که پرونده مربوط به منابع طبیعی بوده، روند کار ما انجام شده؛ ولی مابقی روند پرونده که با مدیریت بحران بوده، روی زمین مانده. گرچه این بخش مربوط به مدیریت بحران می‌شود، اما این عزیزان به‌نام شهدای طبیعت هم شناخته می‌شوند. مدیران منابع طبیعی باید خیلی محکم، باقدرت و با پیگیری مستمر خواهان رسیدن این عزیزان به حق و حقوقشان باشند.»

سمانه پنج سال از این اداره به آن اداره رفته و حرف‌های زیادی شنیده است. «چرا بعضی از مسئولان پیگیر قانون نیستند؟ یک‌بار در مراجعاتم به من گفتند خانم جواب نامه‌های ما را سازمان بحران کشور نمی‌دهد، خودت برو تهران تأییدیه بگیر و بیاور تا ما کارت را انجام دهیم. آیا قانون تقصی دارد که اجرایی نمی‌شود؟»

پرسش‌های خانواده مختاری مثل سایر شهدای زاگرس زیاد است، «چرا به‌صورت مکتوب حکم ایثارگری این عزیزان به خانواده‌ها اعلام نمی‌شود؟ چرا مستمری خانواده‌ها برقرار نمی‌شود؟ مشکل بودجه دارند آن‌هم برای این تعداد محدود خانواده شهدا؟ یا دلپیش کم‌مهری است؟ چرا خانواده شهدای زاگرس باید ایقنذر رنج بکشند؟ مگر برادر من برای حفظ آب و خاک ایران جانش را از دست نداد؟» خانواده مختاری در نظر داشتند دیه را صرف خرید دمنده و سایر وسایل اطفای حریق کنند، اما کم‌مهری‌هایی که دیدند، مانع این کار شد؛ هر چند دل آن را هم نداشتند که به پول دهن دست بزنند. «یک بار بنامه‌ه‌اند یک نام یا نشانی جهت به یادگار ماندن عزیزمان در این شهر به‌جا بگذارند.»

آن‌طورکه محمدجواد جانش را از دست داد، یک لحظه از ذهن خانواده مختاری فراموش نمی‌شود؛ همچنان که رفتار برخی مسئولان… «اگر می‌توانند، برای دو تایی زغال کف دستشان بگذارند یا زمان آتش‌سوزی جنگل نزدیک محل حریق شوند. ما هنوز دستمان به داغی می‌خورد، جگرمان آتش می‌گیرد. می‌گویم کاش مرگ این برادر هم مثل دو برادر دیگر ثانی‌بای بود، نه از دست رفتن زنده‌زنده در آتش.»

📌 خواهرم به آسمان نگاه می‌کند تا پدرم را پیدا کند

«خواهرم شهبه به آسمان نگاه می‌کند و از بین ستاره‌ها دنبال پدرم می‌گردد.» اینها را «فاطمه»، دختر «یاسین کریمی» می‌گوید. هشتم تیر ۱۳۹۹ در منطقه استحفاظی بوزین و میردهخیل شهرستان پاوه سه نفر در حریق زاگرس کشته شدند؛ «مختار خندانی»، «لالا امینی» و «یاسین کریمی». از آن وقت تاکنون برخی از آنها تنها بخشی از دیه مرتبط با بیمه را دریافت کرده‌اند؛ نه خبری از مستمری است و نه بیمه. پیگیری‌شان هم مثل بقیه خانواده‌ها بی‌ثمر مانده. «یکی دو سال اول به ما سر می‌زدند، اما دیگر خبری از آنها نیست.»

یاسین کریمی سرپرادر مدرسه بود و سه دختر داشت، به‌شکل قراردادی کار می‌کرد و بیمه به او تعلق نمی‌گرفت، هرزگدایی با انجمن‌های محیط‌زیستی و گاهی یفت‌ناهیی برای اطفای حریق می‌رفت؛ همیشه سالم برمی‌گشت، جز آن هشتم تیر که رفت و دیگر نیامد. به یکباره همسر یاسین دو نقش به‌عهده گرفت؛ مادر و پدر بودن هم‌زمان برای فرزندانش. اما مادر و پدری که زیر بار غم و اندوه ویران شده بود. در کنار بحران روحی خانواده، مشکلات اقتصادی هم رخ نشان داد و خانواده را گرفتار کرد. فاطمه در ۲۰سالگی در اداره منابع طبیعی مشغول به کار شد. چهار سالی می‌شود که کارمند این اداره است و تأمین هزینه‌های خانواده هم بر دوش اوست.

فاطمه یاسینی عادت کرده وقتی از آن روز سیاه تیرماه و تبعاتش حرف می‌زند، دو خانواده دیگر را هم فراموش نکند. «آنها بچه کوچک دوساله و چهارساله داشتند و شرایطشان خیلی سخت شد.» شرح او از روزهای پس از آتش گرفتن سه داوطلب در حریق زاگرس حکایتی از به خاکستر نشستن سه خانواده از هشتم تیر ۱۳۹۹ به‌بعد خواسته خانواده کریمی مثل باقی خانواده‌هاست: «بیمه و مستمری براساس قانون پرداخت شود. نتهتئا برای خانواده ما، بلکه دو خانواده دیگری هم که در پاوه داغدار شدند و شرایط زندگی‌شان سخت است.»

📌 مختاررفت، کمر مادرم شکست

«رفتن مختار کمرم را شکست.» این را شاهرخ خندانی به‌نقل از مادرش می‌گوید؛ مادری که ۲۰ سال قبل، یعنی در سال ۱۳۷۴، در «نوسود» پایش را روی مین گذاشت و دیگر نتوانست با آن قدمی بردارد. رها رفتن با عصا و یک پا یک چیز بود و از دست دادن مختار چیز دیگر. کمرش

شکست و نتوانست قد راست کند.

مختار به‌عنوان عضوی از انجمن ژویای پاوه همیشه برای اطفای حریق می‌رفت. دو روز قبل از حادثه هم مثل سابق، درگیر اطفای حریق در منطقه استحفاظی بوزین و میردهخیل پاوه بود، اما ه‌ر‌بار که آتش را خاموش می‌کردند، باز باد می‌آمد و آتش گر می‌گرفت و به جان بلوط‌ها می‌افتاد. هشتم تیر مختار برای سومین‌بار از مادر خداحافظی کرد و به منطقه رفت. شاهرخ خاطرش است که حوالی عصر، دامادشان زنگ زد و گفت از مختار خبری نیست و جواب تلفن نمی‌دهد. «فهمیده بود چه اتفاقی افتاده و نگفتم. راه افتادم و به‌سمت محل حریق رفتم. دیدم دو هزار ماشین آنجاست، به دلم آمد که اتفاقی افتاده. سه آمبولانس هم داشتند به‌سمت بالا می‌رفتند. من با چند نفر نشسته بودم که آمبولانس آمد و فهمیدم مختار از بین رفته است.»

همان وقت که شاهرخ خبر را فهمید، جمعی هم در خانه مادر مختار جمع شده بودند تا او را برای خبر آماده کنند. مادر دهنش به این نمی‌رفت که اتفاق برای پسر او افتاده باشد. همه را آرام می‌کرد و می‌گفت چیزی نیست و برای کسی مشکلی پیش نیامده، جمع بزرگتر که رسیدند، بین‌شان مختار نبود، غیاب مختار مادر را خم کرد. حالا نزدیک پنج سال از شهادت او می‌گذرد، اما برای شاهرخ و خانواده هنوز این رفتن باورپذیر نیست. «مختار خیلی فعال بود، خیلی زرنگ بود، خیلی آدم خوبی بود. عادی نیست که بگوییم فوت کرده.»

خانواده خندانی هم مشکل کم ندارد، یک عضو خانواده را از دست داده‌اند که حضور پررنگی در زندگی‌شان داشت. «به خدا قسم ما خیلی مشکل داریم. همه کارهای مادرم با مختار بود. هر کسی مشکلی داشت، سراغ مختار می‌رفت؛ چه مرضی باشد و چه رفتن دخترم به دانشگاه. می‌گویند آدم‌های خوب می‌روند، مختار ما هم آدم به‌خصوصی بود.»

در این پنج سال هیچ دیه‌ای به خانواده خندانی پرداخت نشده، در دو سال اول مسئولان منابع طبیعی می‌آمدند و می‌رفتند. بعد همین کار را هم متوقف کردند. هیچ‌کدام از اعضای خانواده را هم در منابع طبیعی به کار نگرفتند، از مستمری یا بیمه هم خبری نیست. «وکیل ما گفته شاید در ماه بعد دیه را بپردازند، شاید هم وعده‌ای مثل قبل باشد.»

📌 هیچ‌کس شهدای ما را گردن نمی‌گیرد

«گفتند شهید حساب می‌کنیم، بیمه می‌کنیم، نگران نباشید. چهار سال گذشت. یک میلیارد و ۳۰۰ هزار تومان از دیه که برعهده منابع طبیعی بود، هنوز نپرداخته‌اند؛ همه را بخشیدیم. گفتیم لاقال مستمری خانواده‌ای را که چهار عزیز را از دست داده، درست کنید. مردانی که در آتش سوختند نان‌آور خانواد بودند، به‌خاطر کوششان و زاگرس برای اطفای حریق رفتند. حقوق مختصر هفت–هشت میلیون تومانی به خانواده‌شان بدهید، کار بیمه‌شان را درست کنید که اگر خدایی نکرده مرضی شدند، گرفتار نباشند. چهار سال گذشته و هیچ‌چیز درست نشده؛ دختر ناصر سکنه ناقص کرده و خرج عمل جراحی را نداریم بدهیم.» اینها را «سجاد بهزادی» می‌گوید پدرش «جهانبخش»، پسر برادرش «حامد»، پسر خواهرش «رضا» و شوهر خواهرش «ناصر» را در حریق زاگرس از دست داد.

دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰ آتش به جان ارتفاعات تنگه هایقر فیروزآباد افتاد. «در منطقه چاه گاز و پالایشگاه وجود داشت. اگر آتش به آنجا می‌رسید، فاجعه انسانی رخ می‌داد. یک جمع ۲۰نفره بودیم که برای اطفای حریق رفتیم. یکباره آتش پشت ما را گرفت، ۱۶ نفر توانستند خودشان را نجات دهند، اما چهار نفر از ما کم شدند.» ناصر بهزادی، حامد بهزادی و رضا بهزادی در دم جان سپردند و جهانبخش بهزادی پدر سجاد بهزادی بر اثر سوختگی به بیمارستان منتقل شد و در آنجا درگذشت. در این چهار سال او که دانش‌آموخته حقوق است، پیگیر کارهای خانواده بوده، اما نتیجه بیشتر سرخوردگی است. «مجلس ستاد مدیریت بحران آیین‌نامه‌ای را تصویب کردند که براساس آن اگر فردی در حین اطفای حریق کشته شود، شهید فداکار خدمت به حساب می‌آید. باین‌حال، این آیین‌نامه در اجرا مشکل دارد و هیچ‌کس آن را گردن نمی‌گیرد.»

خانواده بهزادی به منابع طبیعی که مراجعه می‌کنند، آنها توپ را به زمین ستاد مدیریت بحران می‌اندازند و درعرض، مدیریت بحران هم منابع طبیعی را مقصر می‌داند. البته هر بار دو سازمان و ستاد می‌گویند که آنها جزو خانواده شهدا هستند و قابل احترام. «چهار سال از آن آتش‌سوزی می‌گذرد و هنوز هیچ اتفاق ملموسی نیفتاده و ما چیزی ندیده‌ایم جز وعده‌های سر خرمن! اگر مردم بداندند درصورت آسیب‌دیدنشان من به‌نوشت خانواده بهزادی دچار می‌شوند، طبیعی است که دیگر کسی برای اطفای حریق نمی‌آید. این خانواده چهار نان‌آور خود را از دست داده، حالا تنها چیزی که دارد یک کاذب صورت‌جلسه است که چهار شهید فداکار خدمت داریم.»

براساس مفاد آیین‌نامه ماده ۲۰ ستاد مدیریت بحران، منابع طبیعی باید به بازماندگان مستمری، بیمه و هزینه مراسم و کفن‌ودفن را بپردازد. در این چهار سال تنها بخشی از دیه مرتبط با بیمه بی‌نام به خانواده بهزادی را پرداخت کردند. اداره منابع طبیعی می‌گوید ندارم که بپردازم. مسئولان قضائی اعلام کرده‌اند بازماندگان می‌توانند حساب اداره را مسدود کنند. خانواده بهزادی مسئله را رها کردند. «شخصاً هفته قبل یک دسته‌نوشته تحویلشان دادم که دیه‌ای را که قرار بود به خانواده شهدای بهزادی پرداخت شود می‌بخشیم؛ به شرط اینکه اداره منابع طبیعی مبلغی را که قرار بود تحویل ما شود، صرف تجهیز ادوات اطفای حریق مانند دمنده یا بیسیم کند. آن روز اگر شهدای ما بیسیم داشتند، کشته نمی‌شدند. با این تجهیزات می‌توانیم کنترل و اشراف بیشتری داشته باشیم.»

اسمال سال خشکی است، همان‌وقت که با سجاد بهزادی تماس گرفتیم، زاگرس در حال سوختن بود و برداش در حال اطفای حریق. همان برادری که پس از کشته شدن چهار عضو خانواده قرار شد در استخدام اداره منابع طبیعی باشد و در این ماه‌ها در فهرست تعدیلی‌هاست. «برادرم را با حقوق هفت میلیونی مشغول به کار کردند. حالا می‌گویند تعدیل نیرو داریم و برادر هم جزو تعدیلی‌هاست. برادرم چهار سال است که برای این اداره کار می‌کند. وجه اخلاقی را هم که کنار بگذارم، به‌لحاظ قانونی هم این کارشان درست نیست. همین الان که ما داریم صحبت می‌کنیم، برادرم در منطقه حریق است و دست‌ودل من می‌لرزد که مبادا دچار مشکل شود.»

سجاد بهزادی در این چند سال سه شیفت کار می‌کند تا بتواند به خواهرش «صمناز» که همسر و پسرش را در آتش از دست داد، کمک کند. باین‌حال، سکنه ناقص دختر صمناز شرایط را سخت‌تر کرده است. دو عمل جراحی موفقیت‌آمیز نبودند و نیاز به عمل سوم است. «گفتند این عمل ۱۰ تا ۱۲ ساعت طول می‌کشد و ۴۰۰ میلیون نیاز دارد. توانستم از پس این هزینه بریایم.» پیشنهاد سجاد بهزادی این است که به‌عنوان نماینده خانواده شهدای طبیعت در جلسه هادینتی بین ادارات منابع طبیعی و سازمان ستاد مدیریت بحران حضور داشته باشد تا مسئله مهم اعمال ماده ۲۰که مشکل تمام خانواده شهدای طبیعت است، حل‌وفصل شود.

📌 زندگی‌ام سخت اما زیبا بود، حالا فقط اداب

«می‌خواهم حقوقی داشته باشم که نخواهم دستم را پیش بقیه دراز کنم، به خدا قسم برایم سخت است.» اینها را صمناز بهزادی می‌گوید که پسر یکدانه‌اش، همسرش، پدرش و پسر برادرش را در یک روز از دست داد، در آتش‌سوزی‌های زاگرس در ۱۱ مرداد ۱۴۰۰.

صمناز و ناصر زندگی عنابری داشتند، خانه‌ای هم در فیروزآباد که بچه‌ها در فصل مدارس آنجا می‌ماندند. «سخت بود، اما زندگی شگنی داشته که الان حسرتش را می‌کشم.» دهم مرداد ارتفاعات جنگلی تنگه هایقر آتش گرفت. صمناز به رضا زنگ زد و گفت جنگل دارد می‌سوزد و به حوالی چاه‌های گاز رسیده است، رضا دانشگاه بود، گفت یک ساعت دیگر خودم را می‌رسانم. صمناز با همان لهجه استان فارس گفت که «عزیزم تو نمی خواهی بیایی.» رضا آمد و با بقیه آتش را خاموش کرد. روز بعد دوباره آتش شعله‌ور شد و به جان زاگرس افتاد. رضا به‌همراه پدر، پدربزرگ و سپردایی‌اش به منطقه حریق رفتند. «نیم‌ساعت نشده، خبرشان آمد که ناپود شدند.»

مرگ چهار عزیز زندگی صمناز را هم ناپود کرد. «هر چه بگویم کم است. در آتش‌سوزی لعنتی عزیزانم را از دست دادم. یک‌دانه پسرم از دستم رفته است، نان‌آوری ندارم. از آن روز یک پایم در بیمارستان و یک پایم در خانه است. خیلی در مضیقه‌ام.»

تنها چیزی که در این مدت از سمت مسئولان دست صمناز را گرفته، بخشی از دیه مرتبط با بیمه بی‌نام است. «نه حقوقی به ما می‌دهند. نه بیمه می‌کنند. بدون بیمه دکتر رفتن سر به آسمان می‌گذارم. خیلی قول‌ها داند و عمل نکردند، با بدبختی‌هایم روزگار می‌گذرانم.»

کار دیگر مسئولان منابع طبیعی این است که هر عید بایند به صمناز سر بزنند و یک کارت هدیه چهار–پنج میلیون تومانی کف دستش بگذارند و برونند و وعده دهند که به حق و حقوقی که می‌خواهد، می‌رسد. «من مریضم. افسرده شدم. دیسک کمر گرفت. نمی‌توانم کارگری کنم. مدام این و آن کمکم می‌کنند. چشم‌مان ناپود است، هر دو را عمل کردم. دخترم هم مریض است. هر چه دیده و شنیده‌ام وعده بوده.»

از تمام زندگی گذشته صمناز قبل از ۱۱ مرداد ۱۴۰۰ تنها یک

دختر برایش باقی مانده که توان پرداخت شهریه

دانشگاهش را هم ندارد. «برادر کوچکم هزینه زندگی مادرم

را می‌دهد و تنها نان‌آور است. زندگی ما شده بدبختی و پدھکاری. کاش کاری کنند تا حقوق ما و بیمه ما درست شود.»



خبر

تاریک شدن اقیانوس‌ها تهدیدی برای حیات دریایی

براساس تحقیقات جدید، در دو دهه گذشته، بخش‌های وسیعی از اقیانوس‌های زمین تیره‌تر شده‌اند؛ پدیده‌ای که پژوهشگران از آن بیم دارند که تأثیرات شدیدی بر حیات دریایی در سراسر جهان داشته باشد.

به‌گزارش گاردین داده‌های ماهواره‌ای و مدل‌سازی عددی نشان داده‌اند که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲، بیش از یک‌پنجم از اقیانوس‌های جهان تاریک‌تر شده‌اند؛ امری که باعث کاهش منطقه‌ای از آب شده است که موجودات زنده برای ادامه حیات خود به نور خورشید یا مهتاب وابسته‌اند.

این اثر در سطحی معادل ۷۵ میلیون کیلومترمربع (۳۰ میلیون مایل مربع) از اقیانوس‌ها قابل‌مشاهده است؛ مساحتی برابر با مجموع قاره‌های اروپا، آفریقا، چین و آمریکای شمالی. این تاریکی، لایه بالایی آب را که ۹۰ درصد گونه‌های دریایی در آن زندگی می‌کنند، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

«توماس دیویس»، متخصص حفاظت از محیط‌زیست دریایی از دانشگاه پلیموث، گفت: «این یافته‌ها حقیقتاً جای نگرانی دارند» و می‌توانند پیامدهای شدیدی برای اکوسیستم‌های دریایی، منابع جهانی شیلات و چرخه حیاتی کربن و مواد مغذی در اقیانوس‌ها به‌بنابال داشته باشند.

اغلب موجودات دریایی در ناحیه نوری (Photic Zone) زندگی می‌کنند؛ لایه‌های سطحی اقیانوس‌ها که نور کافی برای فعالیت‌های زیستی از جمله فتوسنتز را عبور می‌دهند. درحالی‌که نور خورشید می‌تواند تا عمق یک کیلومتری نفوذ کند، در عمل فتوسنتز تنها تا حدود ۲۰۰ متر از سطح دریا رخ می‌دهد.

در این لایه بالایی، موجوداتی میکروسکوپی و گیاهمانند به‌نام فیتوپلانکتون با انجام فتوسنتز به‌عنوان پایه بیشتر شبکه‌های غذایی دریایی عمل می‌کنند و تقریباً نیمی از اکسیژن کره زمین را تولید می‌کنند. بسیاری از ماهی‌ها، پستانداران دریایی و سایر موجودات در همین لایه‌های گرم‌تر زندگی می‌کنند، شکار می‌کنند، تغذیه می‌کنند و تولیدمثل انجام می‌دهند.

تاریکی زمانی رخ می‌دهد نور با دشواری بیشتری به درون آب نفوذ می‌کند. این پدیده اغلب در مناطق ساحلی دیده می‌شود، جایی که آلودگی آب‌های سرد و غنی از مواد مغذی یا سست‌وشوی باران مواد آلی و رسوبات را از خشکی به دریا وارد می‌کند. اما دلایل تاریک شدن مناطق دور از ساحل کمتر روشن است. گمان می‌رود گرمایش جهانی و تغییرات در جریان‌های اقیانوسی نقش داشته باشند. دیویس می‌گوید: «مناطق دارای تغییرات عمده در چرخش اقیانوسی یا مناطقی که به‌دلیل تغییراقلیم در حال گرم شدن هستند –مثل اقیانوس جنوبگان یا مسیر جریان خلیج‌فارس از کنار گرینلند– از جمله نقاطی هستند که تاریک‌تر شده‌اند.»

دیویس توضیح می‌دهد: «موجودات دریایی برای طیف وسیعی از فعالیت‌های زیستی‌شان به نور وابسته‌اند –از شکار گرفته تا جفت‌گیری و زمان‌بندی تولیدمثل–. آنها برای تقریباً تمام جنبه‌های زندگی‌شان به نور نیاز دارند. با تاریک شدن اقیانوس، این موجودات باید به‌سمت لایه‌های بالاتر ستون آب حرکت کنند؛ جایی که فضا محدودتر است و همه در حال فشرده شدن پس‌وی سطح هستند.»

«الیور زیلینسکی»، مدیر مؤسسه تحقیقات دریای باتلیک لایپتیس در آلمان، گفت تاریک شدن گسترده اقیانوس‌ها «روندی نگران‌کننده» است، او افزود: «چنین تغییراتی می‌توانند شبکه‌های غذایی دریایی را بر هم بزنند، توزیع گونه‌ها را دگرگون کنند و ظرفیت اقیانوس برای حمایت از تنوع‌زیستی و تنظیم اقلیم را تضعیف کنند. دریاهای ساحلی که در مجاورت فعالیت‌های انسانی قرار دارند، به‌ویژه آسیب‌پذیرتر هستند و تاب‌آوری آنها برای سلامت بوم‌شناختی و رفاه انسانی حیاتی است.»| پیام ما

نوبت دوم	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان</div></div></div>	

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰/۴۰۶۰۳۳۹۰۱۰۰۱۴۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۴۸۹ حرین ۱ (اصلی واقع درسطام در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۷۸۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۴۸۹ حرین ۱ (اصلی واقع درسطام بخش ۳ شاهرود خریداری بواسطه ازبیلی محرز گردیده است. لذا بهمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی داخلخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اتمام مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت دوم	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت میادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر</div></div></div>	

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۰۳/۳۱

شناسه آگهی: ۱۹۳۸۳۹۴

نوبت دوم	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائمشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد</div></div></div> <div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>املاک متقاضیان واقع در قریه ساروگلا پلاک ۱۸ اصلی بخش ۱۶ ۵۷۲۱۱ فرعی بنام آقای علیرضا قنبری ساروگلائی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۹۲۵ مترمربع خریداری بدون واسطه از آقای محمود قنبری ساروگلائی مالک رسمی</div></div>	

لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا درصورتی‌که اشخاص ذی‌نفع

نوبت دوم

نوبت دوم	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>	
<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>اسلامی مالک رسمی</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا درصورتی‌که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت میادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.</div></div></div> <div><div><div><div><div></div></div></div><div></div>اسلامی مالک رسمی</div></div>	

نوبت دوم

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائمشهر مورد

رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده

جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه افرا پلاک ۱۳ اصلی بخش ۵

۴۴ فرعی بنام آقای بهزاد کاظمی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقایان مجتبی و مصطفی اسلامی مالک رسمی

۴۵ فرعی بنام آقای بهزاد کاظمی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقایان مجتبی و مصطفی اسلامی مالک رسمی

۴۶ فرعی بنام آقای بهزاد کاظمی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۲۶ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقایان مجتبی و مصطفی اسلامی مالک رسمی

۴۷ فرعی بنام آقای بهزاد کاظمی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۲۶ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقایان مجتبی و مصطفی اسلامی مالک رسمی



زاگرس بمیرد ایران از دست می‌رود

زاگرس در امتداد هزار و ۶۰۰ کیلومتر از شمال‌غرب و از استان‌های کردستان و آذربایجان‌غربی تا تنگه هرمز در جنوب‌شرق به عرض‌های متغیر تا ۴۰۰ کیلومتر استقرار یافته است. این منطقه شامل ۱۱ استان است که بیشتر جنگل‌های زاگرس دارای اقتصادی به منابع پایه و مزایای طبیعی زاگرس وابسته هستند.

براساس آمارهای چند دهه گذشته، مساحت جنگل‌های زاگرس حدود شش میلیون هکتار برآورد شده است که تقریباً ۴۴ درصد جنگل‌های کشور را تشکیل می‌دهد. جنگل‌های زاگرس دارای چکاد مرتفع و استپی‌های گوناگون هستند و قدمت آن به حدود ۵۵۰۰ سال می‌رسد. درخت غالب این جنگل‌ها بلوط است. حدود ۷۰ درصد گونه‌های غالب درختان رشته‌کوه زاگرس بلوط‌های عموماً کهنسال هستند که به‌عنوان بانک ژنتیکی گیاهی کشور از اهمیت بالایی برخوردارند. همچنین، آبخوان‌های زاگرس حدود ۴۰ درصد آب‌های پرکیفیت و تجدیدپذیر کشور را ذخیره می‌کند، این ویژگی سبب شده است تسهیلات و فرصت‌های اقتصادی اجتماعی متنوعی در این منطقه فراهم شود.

از سال ۱۳۹۹ با آتش‌سوزی‌های مکرر در زاگرس توسط عده‌ای، چهره این منطقه هر روز تیره‌تر و سیاه‌تر شده است. این آتش‌سوزی‌ها باعث تخریب جنگل‌ها و رویشگاه‌های متنوع زاگرس شده است. جنگل‌هایی که نماد سرافرازی و حیات منطقه هستند و سلامت ما و سایر بوم‌سازگان‌ها به سلامت آنها وابسته است. با شیوع پدیده شوم آتش‌افروزی در زاگرس و در مقابل آن، ضعف سازمان متولی، یعنی سازمان منابع‌طبیعی و آبخیزداری،



| بهمن ایزدی |

| فعال محیط‌زیست |

مردم با جان و دل از زاگرس حفاظت، حراست و نگهداری کردند و در این راه جان‌های زیادی فدا شد. شهیدان زیادی در اثر مقابله با آتش جان خود را از دست داده‌اند، از جمله زندیباد محمدحسین پارسایی که در ارتفاعات کوه نار منطقه دشمن‌زیری در مقابل آتش مقاومت کرد و جانش را فدا کرد. تعداد شهدای این مبارزه در بخش‌های مختلف، از جمله انجمن‌های محلی، نهادهای غیردولتی و کنگشگران محیط‌زیست، حدود ۱۹ نفر است؛ به‌علاوه برخی دیگر از نیروهای مقابله با آتش که دچار صدمات جسمی و مالی فراوان شده‌اند. این فداکاری‌ها نشان‌دهنده آگاهی و تعهد مردم نسبت به حفاظت از زاگرس و تلاش برای حفظ تعادل زیستی آن است.

اما نکته نگران‌کننده این است که چرا سازمان‌های دولتی، به‌ویژه سازمان منابع‌طبیعی که مسئولیت مدیریت حدود ۹۰ درصد از ارزش‌های کشور به‌ویژه زاگرس را برعهده دارد، در کنترل و مدیریت بحران‌های آتش‌سوزی موفق نیست. این ضعف باعث شده است فشار و سختی بسیاری به کنگشگران طبیعی، مردم و جوامع فعال محلی که نقش اصلی در مقابله با آتش‌سوزی‌ها را ایفا می‌کنند، تحمیل شود. به‌علاوه، سازمان‌های متولی بدلیل ضعف ارتباطی بدرستی از این تلاش‌ها قدرتی نکرده‌اند. ناکارآمدی این سازمان‌ها باعث دلزدگی و ناامیدی در میان مردم و فعالان محیط‌زیست شده است.

رفتارهای مجموعه‌های متولی منابع‌طبیعی، به‌ویژه سازمان منابع‌طبیعی کشور، باعث شده است بحران زاگرس بدرستی به گوش سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان کشور نرسد. رسانه‌های عمومی وابسته به دولت، به‌ویژه

صداوسیما، پوشش شایسته‌ای از وضعیت زاگرس ارائه نداده‌اند و سازمان‌های متولی تلاش کرده‌اند این بحران را در سکوت بگذرانند. هنوز بسیاری از مردم نمی‌دانند کشور

با چه فاجعه‌ای مواجه است.

آتش‌سوزی‌ها، به‌بربرداری‌های ناپایدار، فشارهای انسانی، تخریب خاک، ازسررفتن رواناب‌ها، خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها، همگی در کنار هم زاگرس را به لبه نابودی کشانده است. اما آتش‌زدن جنگل‌ها دراین‌میان مانند تیر خلاص است به قلب سرزمینی که ستون موازنه زیستی کشور به‌شمار می‌رود.

رویه آتش‌زن‌های زاگرس در سال ۱۴۰۴ تشدید شده است؛ به‌طوری‌که برخلاف سال‌های گذشته، شروع آتش‌سوزی‌ها از نیمه فروردین‌ماه بود، درحالی‌که در سال‌های قبل این آتش‌سوزی‌ها معمولاً از اوایل یا اواسط خرداد آغاز می‌شدند. امسال تعداد آتش‌سوزی‌ها بسیار بیشتر شده و کنگشگران طبیعت را نگران کرده است؛ زیرا اگر این روند ادامه یابد، در تابستان پیش رو با خشک شدن حداکثری گیاهان مرتعی به‌ویژه در ارتفاعات بالا و جنگل‌های پرتراکم، ممکن است خسارات جبران‌ناپذیری به گستره زاگرس وارد شود و بخش زیادی از این منابع حیاتی آن از دست برود.

برای نمونه، نگاهی بهنذازند به وضعیت روز جمعه، نهم خردادماه؛ از ارتفاعات میروان درکردستان و آذربایجان‌غربی گرفته تا جنگل‌های ایلام و حتی رویشگاه‌های پرتراکم اشتراک‌کوه در لرستان، درختان در آتش می‌سوزند. در کوه مرتفع نیر (نور) در استان کهگیلویه‌بویراحمد، که از مهمترین اکوتون‌های کشور است، آتش‌سوزی مهیبی روی

داده و در بخش‌های پرتراکم آن استان، مانند ارتفاعات دیشموک، برفکون، ارتفاعات پیرامون شهرستان باشت و...، به خاکستر بدل شدند. ارتفاعات کوهمره و کوه سرک واقع در شمال‌غرب استان فارس را که با تلاش چهار شبانه‌روز همیاران طبیعت و بومیان در اواخر پنجشنبه‌شب، ۸ خردادماه، خاموش شده بود، مجدداً در سحرگاه روز جمعه آتش‌افروزان در سه نقطه به آتش کشیدند. هم‌زمان کوه بیل و ارتفاعات پیراشکفت واقع در دشت ارژن که دارای مراتع غنی و جنگل‌های متراکم از گونه‌هایی چون زالزالک، ارژن، کیمک، شهن و... است، در آتش می‌سوزند در نورآباد فارس، منطقه قلعه‌سفید، برای هفتمین‌بار در دو هفته اخیر دچار حریق شده است. این مناطق نه‌تنها زیستگاه‌های مهم هستند، بلکه حامل آثار تمدن بشری کهن‌اند. با وجود هجوم حداکثری آتش‌افروزان به رویشگاه‌های زاگرس، اما هیچ برخورد ریشه‌ای و اساسی از سوی سازمان‌های متولی نمی‌بینیم.

برای برخورد اصولی با بحران آتش‌ها، ما به یک برنامه عمل ملی نیاز داریم؛ به اجرای طرح ملی فرآگیر که سازمان‌های دولتی و غیردولتی، مردم و نهادهای خصوصی را در کنار هم قرار دهد تا موفق به کاهش یا رفع بحران زاگرس شوند، در غیر این‌صورت زاگرس را از دست خواهیم داد.

اگر مقابله با برد‌دادن ضدامنیتهی آتش‌افروزان، به وظیفه دائمی نیروهای داوطلب و سازمان‌های مردم‌نهاد بدل شود، دیگر فرصت کارهای آموزشی، فرهنگی و ترویجی برای آنها باقی نخواهد ماند. این یک انحراف آشکار است و در شرایط فعلی، نیروهای مردمی به‌اجبار به‌جای سیاست‌گذاران و مجریان معلوم نشست‌اند و از جانشان ماهی می‌گذارند.

متأسفانه این وضعیت، تنها نتیجه سکوت خائثانه و فرصت‌طلبی نهادهای مسئول است. این سکوت، هم‌دستی با کسانی است که زاگرس را به آتش می‌کشند. اگر اراده‌ای برای برخورد با عاملان وجود داشته باشد، می‌توان بحران را به‌سوی کاهش مدیریت کرد. اما شوریخخانه بیب از دست دادن جایگاه مدیران، سبب شده است خیر بحران از محدوده شهرستان‌ها و استان‌ها فراتر

نرود و سازمان مرکزی نیز انفعالی برخورد کند.

نمونه‌ای از مدیریت صحیح کنترل آتش‌سوزی‌های اخیر را که متأسفانه هفته گذشته بازه آن به استان هرمزگان کشید، می‌توان در آتش‌سوزی کوه هماگ و چکاد تشگر (بام استان هرمزگان) واقع در شمال بندرعباس معرفی کرد. منطقه‌ای مرتفع با رویشگاه‌های متنوع زاگرسی،

حلیجی-عمانی که دارای رویشگاه‌های متنوع و همچنین درختان کهنسال ارس (سرو کوهی) است، ضمن اینکه زیستگاه خرس سیاه آسیایی نیز به‌شمار می‌آید. در اینجا، مدیریت محیط‌زیست با درایت وارد عمل شد، از استان‌های همجوار و تهران کمک خواست و مانع گسترش آتش به بیش از ۱۰۰ هکتار شد. چرا چنین شیوه‌مردمحور مدیریتی در سایر استان‌ها اجرا نمی‌شود؟ اگر رویشگاه‌های زاگرس از بین برود، منابع آب هم از بین می‌رود، تعادلات اکولوژیکی و اجتماعی بهم می‌ریزد و پدیده مهاجرت اجباری شدت می‌گیرد. این اتفاقی است که در یکی از کهن‌ترین سکونتگاه‌های ایران رخ خواهد داد. نابودی زاگرس به‌معنای ورود ایران به یک فاز شدید بیابانزایی است.

در این سال‌ها نیروهای مردمی در کردستان، فارس، لرستان، بویراحمد، تا جنوب شرقی‌ترین نقطه زاگرس، با هزینه شخصی، تجهیزات تهیه کرده‌اند. دستگاه دمنده که جایگزین ۲۰ نفر در مهار آتش است، توسط خود مردم تهیه می‌شود. درحالی‌که باید این وظیفه برعهده دولت باشد.

اگر سازمان متولی به وظایفش عمل می‌کرد، نیروهای مردمی به‌جای مهار آتش، در حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه گسترش معرفت محیط‌زیست منابع‌طبیعی فعالیت می‌کردند. اما سکوت و بی‌عملی سازمان متولی، نیروهای فرهنگی را تبدیل به آتش‌نشان و نیروهای اجرایی، آن‌هم در مهلک‌ترین عملیات اجرایی، کرده و این نوعی خیانت به تعادلات اجتماعی است. اگر دولت و سازمان متولی به هشدارهای کنگشگران محیط‌زیست بی‌توجهی کنند، ایران در آینده‌ای نزدیک خشک و بی‌جان

خواهد شد. با نشست زمین، خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها و نابودی زاگرس، فرصت زیستن سالم از ایرانیان گرفته می‌شود.

عدم توجه کافی و ضعف در مدیریت و اقدامات سازمان منابع‌طبیعی باعث شده است بحران آتش‌سوزی در زاگرس به سایر نهادهای دولتی، به‌ویژه دستگاه‌های مرتبط با امنیت و بخش قضائی نیز سرایت کند و این سازمان‌ها در جایگاه خود نتوانند نقش مؤثری در کنترل و مهار بحران زاگرس ایفا کنند. در نتیجه، این وضعیت فرصت را برای اتقاق‌های فکر و جریاناتی که قصد ایجاد اختلال طبیعی اجتماعی و اقتصادی کشور دارند، با به‌اتش‌کشیدن بیش‌ازپیش زاگرس را فراهم کرده است. اگر دستگاه‌های امنیتی و بخش قضائی کشور به‌صورت جدی‌تر وارد عمل می‌شدند و با امران پشت پرده و عاملان آتش‌افروزی‌ها برخورد قاطع و قانونی می‌کردند، می‌توانستند در جلوگیری از گسترش آتش و مقابله با جانیانی که در پی خشکاندن زاگرس هستند، تأثیرگذارتر باشند.

نکته بسیار مهمی که باید به آن اشاره کرد، نوع برخورد یک‌سویه و طبیکارانه سازمان منابع‌طبیعی با فعالان حوزه محیط‌زیست، به‌ویژه داوطلبان حاضر در میدان آتش‌سوزی‌هاست؛ آن عزیزانی که از انجمن‌های محلی یا سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی برای مهار آتش رویشگاه‌های زاگرس دلسوزانه حضور پیدا می‌کنند. متأسفانه این برخوردها در بسیاری موارد منجر به دلزدگی و کاهش انگیزه نیروهای داوطلب شده است. از جمله مصادیق این بی‌توجهی، برخورد غیرمسئولانه سازمان منابع‌طبیعی با خانواده‌های جان‌باختگانی است که در راه حفاظت از جنگل‌ها و منابع طبیعی کشور جان خود را فدا کرده‌اند. این افراد در چارچوب قوانین، مصداق «فداکاران خدمت» شناخته می‌شوند، اما متأسفانه سازمان مسئول آنها را ماماه و حتی سال‌ها از این اتاق به آن اتاق، از این هفته به آن هفته و از این وعده به آن وعده کشانده است، بدون آنکه پاسخ روشنی یا رسمی درباره حقوق قانونی خانواده جانباختگان آبادانی ایران در زاگرس ارائه کند.

این وضعیت نه‌تنها هرمنی بر زخم بازماندگان نیست، بلکه نمک بر آن می‌باشد و درد را مضاعف می‌کند. داغ فرزندى که جان خود را فدای طبیعت کرده، حالا با بی‌توجهی متولیان، به اندوهی همراه با تحقیر بدل شده است. در این شرایط، طبیعی است که سایر داوطلبان نیز دلسرد و مایوس شوند و حضور خود را کم‌رنگ‌تر کنند.

این دلسردی ریشه در نگاه بی‌رحم و ناعادلانه‌ای دارد که سازمان متولی به بازماندگان این فداکاران دارد. درحالی‌که قانون وجود دارد، اعتبار و مصوبه هست، اما اراده‌ای برای اجرایی کردن آن نیست. افرادی از این خانواده‌ها را می‌شناسم که عزیز و نان‌آور خانواده‌شان را از دست داده‌اند. زندگی آنها از هم پاشیده و از نظر اقتصادی در تنگنا هستند. یکی از این عزیزان، فرزندی داشته که پس از قبولی در کنکور بدلیل فقر ناشی از نبود حمایت، نتوانسته در دانشگاه ثبت‌نام کند. این فقط یک نمونه از صدها مورد دردناک است. در کنار این مشکلات، عملکرد ستادهای بحران در آتش‌سوزی‌های جنگل‌ها به‌ویژه در استان فارس نیز به‌شدت زیر سؤال است؛ این ستادها بیشتر حالت نمایشی دارند تا عملیاتی. وظایف قانونی فرمانداران و بخشداران در قالب ریاست ستاد بحران، بدون هیچ‌گونه پشتیبانی تجهیزات، اعتباری یا ساختاری رها شده است. درواقع، تنها چیزی که از این ستادها می‌بینیم، نامی است تحت عنوان «ستاد بحران» و پس.

واقعیت این است که در بحران آتش‌سوزی‌های گسترده جنگل‌های استان فارس، نقش این ستادها به‌شدت کم‌رنگ و تقریباً بی‌اثر بوده است. اگر قرار است ستاد بحران نهار بکافه وجود داشته باشد، دیگر نمی‌توان از مردم و فعالان انتظار داشت که بار بی‌تدبیری‌ها و کم‌کاری‌های سیستماتیک را بر دوش بکشند.

بار دیگر تأکید می‌کنم چنانچه برای مقابله با بحران زاگرس با ارائه حرکات و برنامه‌های نمایشی، باز هم فرصت‌سوزی کنیم، در آینده‌ای نهمچندان دور نتیجه مهلک عملکرد منفی و سهل‌انگاری خویش را با از دست‌رفتن تعادلات اجتماعی و اقتصادی کشور شاهد خواهیم بود.

نوبت اول	اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد	اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد
حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابری شماره ۳۱۶-۱۴۰۴-۴۴۹-۱۴۰۴ حیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات مالکانه یاامراض متقاضی خاتم سمیرا پروپوزی ژالد فرزند محمود به شماره شناسنامه ۲۰۱۱۹۰۳۰۱۱۹ صادره از عنبرآباد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی فرروز و مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۴۸ اصلی قطعه - واقع در شهر عنبرآباد خیابان خیابان رسالت خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری حمزه گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدینهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	برابری شماره ۳۱۶-۱۴۰۴-۴۴۹-۱۴۰۴ حیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات مالکانه یاامراض متقاضی خاتم سمیرا پروپوزی ژالد فرزند محمود به شماره شناسنامه ۲۰۱۱۹۰۳۰۱۱۹ صادره از عنبرآباد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی فرروز و مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۴۸ اصلی قطعه - واقع در شهر عنبرآباد خیابان خیابان رسالت خریداری از مالک رسمی خاتم فرخنده امیری حمزه گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدینهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶
مسئوب حیدریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک	مسئوب حیدریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک
شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۵	شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۵

نوبت اول	اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد	اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد
حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابری شماره ۳۱۶-۱۴۰۴-۴۴۹-۱۴۰۴ حیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات مالکانه یاامراض متقاضی خاتم سمیرا پروپوزی ژالد فرزند محمود به شماره شناسنامه ۲۰۱۱۹۰۳۰۱۱۹ صادره از عنبرآباد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی فرروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی قطعه - واقع در شهر عنبرآباد خیابان خیابان رسالت خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری حمزه گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدینهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	برابری شماره ۳۱۶-۱۴۰۴-۴۴۹-۱۴۰۴ حیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات مالکانه یاامراض متقاضی خاتم سمیرا پروپوزی ژالد فرزند محمود به شماره شناسنامه ۲۰۱۱۹۰۳۰۱۱۹ صادره از عنبرآباد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی فرروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی قطعه - واقع در شهر عنبرآباد خیابان خیابان رسالت خریداری از مالک رسمی آقای عباس امیری حمزه گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدینهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶
مسئوب حیدریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک	مسئوب حیدریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک
شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۵	شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۵

(آگهی تجدید مناقصه عمومی)



شهرداری رفسنجان

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۶۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به خرید مصالح از معادن تولید کننده شن و ماسه احداثآباد جهت بچینگ‌های شهرداری و پروژه‌های عمرانی سطح شهربرگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید؛ لذا از کلیه پیمانکاران و شرکتهای واجد صلاحیت که تجربه و توانایی انجام کار را دارند، دعوت به عمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (مناقصه) مراجعه نمایند

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

مهلت ارسال اصل ضمانت‌نامه بانکی دو روز قبل از

اداره ارتباطات و اموربین الملل شهرداری رفسنجان

نوبت دوم

نوبت اول	اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد	اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد
حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابری شماره ۳۱۶-۱۴۰۴-۴۴۹-۱۴۰۴ حیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات مالکانه یاامراض متقاضی خاتم سمیرا پروپوزی ژالد فرزند محمود به شماره شناسنامه ۲۰۱۱۹۰۳۰۱۱۹ صادره از عنبرآباد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی فرروز و مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۴۸ اصلی قطعه - واقع در شهر عنبرآباد خیابان خیابان رسالت خریداری از مالک رسمی خاتم فرخنده امیری حمزه گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدینهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	برابری شماره ۳۱۶-۱۴۰۴-۴۴۹-۱۴۰۴ حیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات مالکانه یاامراض متقاضی خاتم سمیرا پروپوزی ژالد فرزند محمود به شماره شناسنامه ۲۰۱۱۹۰۳۰۱۱۹ صادره از عنبرآباد در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۸ اصلی فرروز و مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۴۸ اصلی قطعه - واقع در شهر عنبرآباد خیابان خیابان رسالت خریداری از مالک رسمی خاتم فرخنده امیری حمزه گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، داخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدینهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶
مسئوب حیدریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک	مسئوب حیدریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک
شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴	شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴۱۴۵۴

شماره آگهی: ۱۹۴

منبع: میراث آریا



دومین جشنواره فرهنگ و آیین‌های عشایری و روستایی، صنایع‌دستی و هنرهای سنتی کوچ عشایر، روز جمعه ۹ خردادماه ۱۴۰۴، در روستاهای دولت‌آباد خاکی و کریم‌آباد خاکی بخش لاران شهرستان شهرکرد برگزار شد. این جشنواره پیوندی میان فرهنگ، هنر و زندگی در دل طبیعت است.

عکس نوشت

به انگیزه برگزاری «شب ولادیمیر مینورسکی» درویش خرسند*



حمیدرضا محمدی | روزنامه‌نگار

«مرحوم ولادیمیر مینورسکی تا آخر زندگی خود آتی از تقییب مطالعات و تبعات درشته تحقیقات مربوط به زبان و تاریخ ایران فروگذاری نداشت و مقالات و رساله‌ها و کتب تألیفی او در همان رشته بی‌شمار بود.»

سیدحسن تقی‌زاده

«تاریخچه نادرشاه» با ترجمه غلامرضا رشید یاسمی نخستین اثر از «ولادیمیر مینورسکی» Vladimir Minorovsky بود که ۹۱ سال پیش، از سوی کمیسیون معارف منتشر شد. یکی از برجسته‌ترین ایران‌شناسان روس که نامش و پژوهش‌هایش، در کنار دیگرانی چون تودور نولدکه و واسیلی بارتولد، تا همیشه بر تارک مطالعات ایرانی می‌درخشد و حتماً یکی از سرآمدترین‌هایشان است و حتی برخی او را آخرین کس از نسل غول‌های ایران‌شناس در روسیه قلمداد می‌کنند. او که در اصل یک دیپلمات و مأمور سیاسی بود و طبیعی هم بود که داورهایش آغشته و آلوده به سیاسی‌کاری‌ها شود، اما کوشید دانشش از ماجراجویی‌های سیاسی و اغراض و اهداف غیرعلمی برکنار بماند و حتی در برهه مشروطه که روسیه تزاری تلاش می‌کرد در کنار دستگاه سرکوب بماند، سعی کرد از این مسائل فاصله بگیرد.

حاشیه‌نگاری

سوشون؛ توقیف یا تبلیغات؟

ساخته جدید «نرگس آبیار» منجر به توقیف آن و مسدود شدن پلتفرم نماوا شده است. موضوعی که هم حقوق مصرف‌کنندگان را به خطر می‌اندازد و هم این گمان را مطرح می‌کند که چنین روندی در توقیف سریال‌های دارای مجوز، نوعی تبلیغات است



نشستی با عنوان «ادبیات در قاب تصویر» شرکت کردند. پس‌از آن، تصاویری منتشر شد که نشان می‌داد آنها مشغول اعضای کتاب در غرفه هستند. اما بعد از این حواشی و با وجود انتشار پوستری برای این برنامه، گفته شد امضای انجام‌شده نه روی کتاب، بلکه روی کارت‌پستال‌هایی از پیش‌طراحی‌شده بود که همراه با نسخه‌ای از کتاب عرضه می‌شده‌اند. همچنین، ناشر اعلام کرد پوستری که عنوان «جشن امضای کتاب» را القا کرده بود، به‌دلیل بدلیلیتی برخی عوامل سریال منتشر و سپس به‌سرعت حذف شده است. بااین‌حال تصاویر چیز دیگری می‌گفتند و واکنش‌هایی که مطرح شد، نشان از یک نگرانی فرهنگی داشتند. سوشون آبیار سه سال پیش هم درگیر حاشیه‌های دیگری شد. فیلمبرداری سریال سوشون در باغ عقیق‌آباد و مسجد نصیرالملک شیراز با آسیب زدن به این آثار ملی همراه شد و اعتراض فعالان میراث‌فرهنگی و کشتگران محلی را به‌دنبال داشت. پس از اخبار و واکنش‌های منتشرشده نسبت به این موضوع، آبیار در صفحه اینستاگرامش توضیحاتی را منتشر و در بخشی از آن تأکید کرد: «خودم یک فعال میراث‌فرهنگی هستم و دغدغه میراث‌فرهنگی دارم.» اما او که خود را فعال میراث‌فرهنگی می‌دانست، توپچی نکرد که سازمان وقت (وزارت) میراث‌فرهنگی از سال ۱۳۹۳ ساخت فیلم‌های سینمایی و سریال را در مکان‌های تاریخی ممنوع کرده است. وقتی هم ساخت دکور سریال «سوشون» در باغ عقیق‌آباد شیراز با رجوع به همان قانون با هجمه‌ای از انتقادها مواجه شد، وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی مسئولیت صدور مجوز ساخت این فیلم در مکان‌های تاریخی شیراز را نپذیرفت. پس از واکنش رسانه‌ها، مطالبه مردمی را رانندازی کارزاری که از «عزت‌الله ضرغامی»، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و

تولید شده و در چند مرحله «مورد بازبینی نمایندگان ساترا» قرار گرفته و چندین‌بار میزبان کارشناسان این نهاد بوده است؛ «این سریال به‌خاطر طولانی شدن روند اصلاحات ساترا گرفتار تعلیق عرضه شده و حالا که عرضه شده، چنین گرفتار محدودیت می‌شود.»

حاشیه بعد از حاشیه

دیروز آبیار هم در یادداشتی به اقدام ساترا واکنش نشان داد و نوشت «سوشون» به‌دلیل «بازی‌های پیچیده و پنهان ساترا» توقیف شده است: «بماند که آنچه در قسمت اول به نمایش درآمد، به‌دلیل ممیزی آشکار، آن‌چیزی نبود که ما با تمام وجود ساخته بودیم. بخش‌هایی از روایت، از صداقت افتاد. صحنه‌هایی که باید دیده می‌شد، حذف شد، محو شد و بی‌صدا شد.» او همچنین این پرسش را مطرح کرده «چگونه ممکن است سریالی که براساس زمانی فاخر از سیمین دانشور، نویسنده‌ای پیشرو، ملی و جهانی، ساخته شده و بارها و بارها در نیم‌قرن گذشته در همین کشور تجدید چاپ شده و تمام مراحل قانونی را طی کرده است، تنها چند ساعت پس از انتشار نخستین قسمت، با دستوری ناگهانی و مبهم متوقف و سکوی پخشش فیلتر شود؟ چه کسی پاسخگوی این حجم از توهین به شعور مخاطب، بی‌احترامی به تلاش هنرمندان و تخریب سرمایه اجتماعی هنر این سرزمین خواهد بود؟» آبیار در حالی در نوشته خود به اهمیت کتاب دانشور اشاره کرده که ماجرای امضای این کتاب، این‌هم در غیاب نویسنده، توسط او و «پنهوش طباطبایی»، بازیگر نقش «زری» سریال، در نمایشگاه کتاب واکنش‌های زیادی بهمراه داشت. اردیبهشت‌ماه بود که در غرفه انتشارات خوارزمی و با همکاری این نشر و پلتفرم نمایش خانگی نماوا، به‌پناه ساخت «سوشون»، آبیار و طباطبایی در



صدف سرداری | روزنامه‌نگار

سریال «سوشون» که قرار بود روایتگر رنج و مقاومت در روزگار آشوب باشد، خود گرفتار آشوب و حاشیه تمام‌شدنی شده است. توقیف و هم‌زمان از دسترس خارج شدن نماوا، پلتفرم میزبان این سریال، آخرین ماجرابی بود که سوشون با آن درگیر شد. اتفاقی که چندی پیش سریالی دیگر در یک پلتفرم شبکه نمایش خانگی هم با آن درگیر شد و حالا این پرسش پیش می‌آید آیا چنین روندی در پخش و توقیف، گامی حساب‌شده در مسیر یک کمپین تبلیغاتی پرسوردا برای سریالی است که حاشیه‌هایش از خود روایت جذاب‌تر شده‌اند؟ عصر روز جمعه، نیم خردادماه، مشترکان پلتفرم نماوا امکان ورود به این پلتفرم شبکه نمایش خانگی را نداشتند. خبرگزاری «میزان» رسانه قوه قضائیه اعلام کرد سریال سوشون به‌دلیل «نداشتن مجوز قانونی» و «تمکین نکردن از مراجع ذی‌ربط» توقیف و شبکه نمایش خانگی «نماوا» به‌دلیل «امتناع از انجام تعهدات قانونی» مسدود شده است. به‌دنبال این اتفاق، نماوا در واکنش به این توقیف بی‌پناهی صادر و تأکید کرد سریال از همان مرحله ساخت دارای مجوز بوده و دلیل توقیف «اختلاف قطب بر سر ۶۲ ثانیه سریال» است. این پلتفرم در ادامه اشاره کرده که سوشون با «صرف هزینه بالا»

توقف ناگهانی یک پلتفرم و حقوق مصرف‌کنندگان

پس از توقف این سریال و مسدود شدن نماوا هیئت‌مدیره انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئویی آنلاین به این موضوع واکنش نشان داد: «نکته قابل‌تأمل در این تصمیم، این است که به‌جای مسدود کردن محتوای مورد مناقشه، کل دامنه پلتفرم مسدود شد؛ درحالی‌که محتوای تولیدشده در پلتفرم‌ها، هنوز از طریق کانال‌ها و سایت‌های غیرقانونی و بدون هیچ مزاحمتی در دسترس است.» در بخشی دیگر از این بیانیه این پرسش مطرح شده است که «چرا به‌جای مسدودسازی کانال‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای که بی‌وقفه محتوای قانونی پلتفرم‌ها را به تاراج می‌برند، پلتفرم قانونی قربانی می‌شود؟ آیا این رفتار، جز تضعیف پلتفرم‌های داخلی و تشویق کاربران به مهاجرت به بسترهای غیررسمی، نتیجه دیگری خواهد داشت؟» «افشین عزیزی»، حقوقدان، درباره مسدود شدن این پلتفرم به «پیام ما» توضیح می‌دهد: «فارغ از مجوز داشتن سریال، خود نماوا هم مجوزهایی داشته و قاعداً باید به نهادهایی که مجوز دارند، قبل از فیلتر شدن اطلاع داده شود که محتوای مودنظر را حذف کنند. اما نامی‌دانیم که به آنها گفته شده که محتوا را حذف کنند یا خیر. منتهی چیزی که می‌دانیم، این است که اگر بدون اطلاع قبلی بوده، این موضوع نقض شده است.»

از طرف دیگر با مسدود شدن این پلتفرم، موضوع حقوق مصرف‌کنندگان هم مطرح می‌شود. نماوا در بیانیه خود وعده داده که پیگیر حل این موضوع است و در صورت برطرف نشدن مشکلات در روزهای آینده، هزینه اشتراک تمام افرادی که در دو روز گذشته و برای «سوشون» اشتراک خریدند، بازگرداند می‌شود. عزیزی در این‌باره می‌گوید: «در اینجا بحث ارتباط میان حقوق مصرف‌کننده و امنیت ملی وجود دارد که حتی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا هم دیده می‌شود. به این معنا که مواردی باید یکی از این دو را انتخاب کنیم و گاهی باید امنیت ملی را ترجیح دهیم. اما در مورد این سریال و موارد مشابه، هیچ‌کدام در آن درجه از اهمیت نیستند که دلیلی باشد تا فقط سیرال حذف کنند بلکه پلتفرم را هم از دسترس خارج کنند.»

او معتقد است در واقع اینجا فقط موضوع حقوق مخاطبان این سریال مطرح نیست؛ «حتی مشترکانی از نماوا هستند که ممکن است مخاطب این سریال نباشند، اما برنامه‌های دیگری این پلتفرم را دنبال کنند و آنان هم به‌واسطه این سریال، از حقوق خودشان محروم شدند.»

عزیزی می‌گوید این موضوع حقوق سرمایه‌گذاران را هم به‌نوعی نقض می‌کند: «گفته می‌شود ساخت هر قسمت یک سریال به‌طور میانگین بین ۵ تا ۱۰ میلیارد تومان هزینه دارد. ساخت سریال در این پلتفرم‌ها هم معمولاً با حمایت اسپانسرهای مختلف است که با اهداف دیده‌شدن و شناخته‌شدن بیشتر کسب‌وکارشان اسپانسر این برنامه‌ها می‌شوند. چنین اتفاقاتی می‌تواند باعث دلزدگی اسپانسر و ترس سایر سرمایه‌گذاران شود و از سرمایه‌گذاری برنامه‌ها اجتناب کنند.»

باوجود حدس و گمان‌های مختلف درباره توقیف این سریال این پرسش همچنان مطرح است که آیا توقف ناگهانی یک اثر پس از عبور از فیلترهای متعدد، نشانه‌ای از نبود چارچوب‌های مشخص برای رسانه‌های برای جلب توجه است؟ به‌نظر می‌رسد تا زمانی که پاسخ روشنی به این پرسش‌ها داده نشود، نه سازندگان می‌توانند با اطمینان اثری خلق کنند، نه مخاطبان با آرامش آن را تماشا خواهند کرد و نه پلتفرم‌ها قادر به ایفای نقش خود به‌عنوان پل ارتباطی میان این دو خواهند بود. سوشون، چه به‌عنوان یک اثر هنری و چه به‌عنوان یک پرونده جنجالی، «حالا به آزمونی برای احترام به حقوق همه ذی‌نفعان این چرخه تبدیل شده است.

شگرد تبلیغاتی؟

توقف ناگهانی یک سریال و مسدود شدن یک پلتفرم با وجود داشتن مجوزهای مختلف این شائبه را مطرح کرد که شاید همه این اتفاقات یک مسیر تبلیغاتی برای دیده شدن این سریال باشد. مشابه آنچه گمان می‌رفت درباره سریال «تاسیان» ساخته «تینا پاکروان»، در پلتفرم «فیلیمو» اتفاق افتاده است: چرخه ادامه‌دار پخش و توقیف با وجود داشتن مجوز که فرضیه تبلیغاتی بودن ماجرا را تقویت می‌کرد. «احمد طالبی‌نژاد»، منتقد سینما، در گفت‌وگو با «پیام ما» درباره این موضوع و ساخت اثری از کتاب سیمین دانشور به یک پیشینه تاریخی اشاره می‌کند: «اولیای دهه ۶۰، محمد متوسلانی» امتیاز این کتاب را از سیمین دانشور خرید تا آن را تبدیل به فیلم کند، اما در نهایت به او اجازه ساخت ندادند. تا الان که این اجازه به این «زوج خودی» رسیده که این سریال را بسازند.» او شائبه تبلیغاتی بودن این روند را تأیید می‌کند و می‌گوید: «پس از پخش قسمت اول این سریال، ظاهراً آن انتظاری که می‌رفت، برآورده نشد و آنقدر مورد اقبال عمومی قرار نگرفت. اما خاطرم است زمانی که ساخت این اثر به‌صورت فیلم سینمایی توسط متوسلانی مطرح شد، گفته می‌شد اگر این فیلم ساخته شود، خیابان‌های تهران خلوت می‌شوند؛ چراکه مردم برای دیدن این فیلم به سینماها هجوم می‌برند.» او درباره اهمیت رمان سوشون توضیح می‌دهد: «سوشون یکی از رمان‌هایی است که نزدیک به صدبار تجدید چاپ شده و اغلب نسل میانسالی کشور آن را خوانده‌اند. در واقع، بنوعی همه این رمان را دوست دارند. اما درباره ساخته آبیار، فکر می‌کنم این ماجرای توقیف نوعی شگرد تبلیغاتی است. این شگرد بیشتر هم درباره چند فیلم اتفاق افتاده بود، اما معتقدم آنقدر کمک‌کننده نیست؛ زیرا اگر هم پخش شود، این گمان به‌وجود می‌آید که سانسور شده است.» طالبی‌نژاد معتقد است چنین روندی هائقدر غلط است که درباره امضای کتاب دانشور هم از سوی این فیلمساز اتفاق افتاد.